

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۲۸/۹۹۱۴ رده بندی کنگره: الف ۲۲/۷۲۶۴

بررسی اخلاقی به کار گیری فریب در جنگ

رامین بابا حسینی^۱

دانشجوی مقطع دکتری رشته مدرسی معارف گرایش انقلاب اسلامی دانشگاه معارف

ابراهیم مومنی

پژوهشگر و محقق

فاطمه مراد علیزاده

پژوهشگر و محقق

محمد کفاش

پژوهشگر و محقق

چکیده

فریب در جنگ از عنوان مطروحه در فقه است که مباحثی بسیاری پیرامون حکم و مصادیق آن در بین فقهای عظام از دیرباز تاکنون با محوریت روایت «الحرب خدعه» و سیره منقوله از اولیاء دین شکل گرفته است و نظرات مختلفی از قول به عدم جواز تا جواز و قول به تفصیل پیرامون به کار گیری فریب در جنگ مطرح شده است. در این مقال به دنبال بررسی جهات اخلاقی به کارگیری فریب در جنگ بوده ایم و بنا بر اندیشه آیت الله مصباح یزدی «ره» معیار فعل اخلاقی را قرار گرفتن انسان در مسیر تحقق کمال اعلای اختیاری تعریف می کنیم. در شناخت کمال نهایی انسان و کشف ارتباط بین کمال نهایی و افعال اختیاری انسان نیازمند به دین هستیم. دین کمال نهایی انسان را تقرب هر چه بیشتر به کامل مطلق یعنی الله تعالی معرفی می کند و از این رو عملی که سبب قرب شود دارای ارزش اخلاقی مثبت می باشد. در این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه ای و با روش تحلیلی-توصیفی به این نتیجه رسیدم که عملی که در لسان شریعت ممدوح شمرده شود با نیت الهی سبب قرب شده و در نتیجه اخلاقی می باشد و به کار گیری فریب در جنگ و مصادیق برشمرده شده ی از آن در فرض حکم به جواز از چنین حکمی به لحاظ اخلاقی برخوردارند.

واژگان کلیدی: فریب در جنگ، الحرب خدعه، کمال نهایی انسان، قرب

^۱نویسنده مسئول

بخش اول: مفهوم شناسی

بند اول: خدعه در لغت:

خدعه از جهت لغوی مصدر و از ماده خَدَع یَخْدَعُ می باشد. از حیث لغوی خدعه در این معانی به کار رفته است:

«أراد به المکروه و ختله من حیث لا یعلم» اراده ی مکروه نسبت به غیر داشتن و فریب دادن از جایی که به ذهن او هم نمی رسید (ابن منظور، محمدبن مکرّم، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۶۴)

«إخفاء ما من شأنه أن یکون ظاهراً و معلوماً» پنهان کردن چیزی که شأن آن آشکار بودن است، (مصطفوی، حسن، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۴) نکته جالبی که صاحب التحقیق به آن اشاره می کند این است که مُخْدَع از مشتقات ماده ی خَدَع می باشد و به معنای خزانة و محفظه است، یعنی جایی که اموال و اجناس را در آن مخفی می کنند. ایشان می افزاید که خصوصیت خفا و مخفی بودن را در تمام موارد استعمالی ماده خدع باید لحاظ نمود. (مصطفوی، همان) بر همین اساس ماده خدع در مواردی به کار می رود که در آن نوعی فریب به واسطه ی پنهان کاری و مخفی نمودن وجه مسأله لحاظ شده است. به عنوان مثال وقتی در روایت از امام صادق علیه السلام بیان می گردد فَإِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - لَا یُخْدَعُ عَنْ جَنَّتِهِ (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۱۳۳) مراد عدم امکان ورود به بهشت به سبب مخفی کاری و مکر با باری تعالی است. مرحوم طریحی در توضیح حدیث می فرماید: لَأَنَّ الْخَدِيعَةَ تجوز علی من لا یعلم السرّ دون من یعلمه (طریحی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۳۲۰) یعنی فریب کاری در برابر کسی ممکن است که از خفا و سرّ ناآگاه است، نه در برابر الله تعالی که عالم الاسرار و الخفیات است. نتیجه به دست آمده از بررسی واژه خدعه در کتب لغوی مختلف این است که در خدعه یک نوع پنهان کاری و مخفی نمودن وجه امر وجود دارد بر خلاف ماده ی استعمالی غرور که در آن نوعی ایجاد غفلت نسبت به امری که برای انسان مضر است و نشان دادن سراب به جای آب است. (مصطفوی، همان)

بند دوم: خدعه و فریب در اصطلاح جنگی

هر چند در کتب فقهی، حدیثی و سیره نگاری ائمه ی دین شاخصه های دقیق و تعریفی مشخص از فریب جنگی ارائه نشده است ولی به مصادیقی از فریب در جنگ اشاره شده است. مثلاً شیخ طوسی در بیان خدعه به گفتن آنچه در تغییر مسیر جنگ مؤثر است، (طوسی، ابو جعفر، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۶۳) تصریح نموده است که این عنوان گذاری متخذ از یک روایت می باشد (طوسی، همان) و چه بسا شایعه پراکنی و دروغ و توریه به دشمن در اطلاق این معنا جای گیرد. یا در برخی منابع روایی و سیره نگاری به قدرت نمایی با ایجاد تصویر غیر واقعی برای دشمن با خضاب کردن ریش در زمان ضعف مسلمین (شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۴۷۱) و روشن کردن آتش در جاهای مختلف نبرد برای فریب دشمن (ابن سعد، محمد، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۸) و... اشاره شده است. با توجه به بررسی های انجام شده در معنای لغوی خدعه و بررسی موارد استعمال آن در روایات و فتاوی فقهاء، این نتیجه حاصل می گردد که خدعه و فریب در جنگ معنایی بسیار نزدیک به معنای لغوی آن افاده می کند. بر این اساس می توان گفت: فریب در جنگ به معنی گمراه کردن دشمن در هنگام عملیات است، به گونه ای که رقیب از نیت اصلی شما خبردار نشده و عملیات بر خلاف نقشه ی ذهنی و طراحی او رقم بخورد. استفاده از فریب و مخفی کاری در جنگ امری متداول است.

مطابق برخی مضامین دینی پیشوایان اسلام هم آن را مورد تأیید قرار داده و در تعبیر روایی بسیاری عبارت «إِنَّ الْحَرْبَ خُدْعَةٌ» (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹، ج ۱۴، ص ۷۸۰) استعمال شده و بر این اساس نیز عموم علما، این تعبیر را دال بر جواز فریب در جنگ گرفته اند.

فریب در جنگ راهی است برای ضربه زدن به دشمن بدون اینکه پیمان شکنی و خیانتی صورت گرفته باشد، به گونه ای که با ایجاد یک اشتباه محاسباتی، دشمن متوجه اقدامات بعدی ما در حین نبرد نشده و نتواند پدافند مناسبی را اختیار کند. برخی مصادیق حيله های جنگی مانند استتار، انجام عملیات فریب، ایجاد جنگ روانی با استفاده از سیستم های صوتی، اشاعه ی اخباری که در دل دشمن ترس ایجاد می کند و... می باشد.

به عنوان مثال رزمندگان اسلام وقتی قصد عملیات در محور فاو و عبور از ارونند کنار در عملیات والفجر هشت را داشته اند، ابتدا عملیاتی هایی را در مناطق دیگر مانند جزیره بوارین تدارک می بینند تا دشمن هدف اصلی عملیات گم کرده و رزمندگان اسلام بتوانند بر جزیره فاو مسلط شوند.

بند سوم: غدر در لغت

غدر از جهت لغوی مصدر و معنای مشترک آن در جمیع موارد استعمال ترک، تخلیه، اهمال و فروگذاری است. (مصطفوی، حسن، ۱۳۷۴، ج ۷، ص: ۲۳۷). در تعریف غدیر نیز گفته شده است الماء الذی یُعَادِرُهُ السَّیْلُ فی مستنقع ینتهی إلیه، یعنی آبی که سیل آن را در مرداب باقی گذاشته و ترک می کند. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ص ۶۰۳). به نقض عهد و عدم وفای به عهد از این جهت غدر گفته می شود که در آن اهمال در وفای به عهد و ترک آن وجود دارد. (مصطفوی، همان) در فارسی معادل پیمان شکنی و خیانت برای واژه غدر به کار می رود. خیانت نیز به معنای نقض عهد و مخالفت با حق بیان شده است. در قرآن کریم به مصداق بارزی از خیانت اسرای جنگی اشاره شده است و می فرماید: «وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ...» (انفال/۷۱) یعنی اگر بخواهند با تو خیانت و حيله و نقض عهد کنند از پیش بخدا خیانت کرده و مخالفت با حق کرده اند... (قرشی، سید علی اکبر، ج ۲، ص ۳۱۵) صاحب التحقیق نیز در بیان معنای خیانت فرموده اند: انجام عملی یا بیان گفتاری و داشتن نیتی بر خلاف آنچه وظیفه ی اوست و از او انتظار می رود، اعم از اینکه آن وظیفه امری تشریعی باشد و یا تکوینی. (مصطفوی، حسن، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۷۰)

بند چهارم: غدر و خیانت در اصطلاح جنگی

معمولاً بحث از خیانت در تعهد و پیمان های جنگی اعم از پیمان صلح و آتش بس و با دادن امان نامه و ... مطرح می گردد. در معنای رایج از خیانت در جنگ، به دشمن وعده یا امان کذبی داده می شود و پس از اینکه دشمن خلع سلاح شده را با وعده و یا امان دروغ در اختیار گرفتیم به او ضربه خود را وارد می کنیم. به بیان دیگر خیانت جنگی یعنی ایجاد اعتماد در طرف مقابل به واسطه ی گفتار و رفتار و یا اشاره ای که در عرف منطقه ای دال بر امان به طرف مقابل باشد و پس از جلب اعتماد دشمن و در دسترس قرار گرفتن، او را کشته، مجروح ساخته و یا به اسارت درآوریم. می توان گفت در خیانت نوعی سوء استفاده از حسن نیت طرف مقابل وجود دارد. در مضامین دینی ما از چنین رفتاری به شدت نهی شده است تا جایی که نقل شده اگر دشمن به سبب تصور اشتباه از کلمات ما در امان بودن را برداشت نموده باشد و خود را تسلیم ما کند، ولو اینکه ما به او امانی نداده ایم حق ضربه زدن به او را نداریم.

در روایت از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَوْ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «لَوْ أَنَّ قَوْمًا حَاصَرُوا مَدِينَةً، فَسَأَلُوهُمْ الْأَمَانَ، فَقَالُوا: لَا، فَطَنُوا أَنَّهُمْ قَالُوا: نَعَمْ، فَتَرَلُّوا إِلَيْهِمْ، كَانُوا آمِنِينَ». (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۹، ص ۴۱۹)

در باب لزوم پاسداری و احترام به امان جنگی یک مومن و وجوب پایبندی به امان از سوی همگان و حرمت نقض آن نیز امام صادق علیه السلام نقل شده است: لو أن جيشا من المسلمين حاصروا قوما من المشركين فأشرف رجل فقال: اعطوني الأمان حتى ألقى صباحكم و انظره فأعطاه أدهام الأمان وجب على أفضلهم الوفاء به. (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۴۰۲).

خیانت در وفای به عهد و امان در امور نظامی از چنان قبحی برخوردار است که از وجود نازنین امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است: مَنْ اِثْمَنَ رَجُلًا عَلَى دَمِهِ ثُمَّ خَاسَ بِهِ فَأَنَا مِنَ الْقَاتِلِ بَرِيٌّ وَ اِنْ كَانَ الْمُقْتُولُ فِي النَّارِ. (عاملی، شیخ حر، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۶۹)

البته خیانت و سوء استفاده از حسن نیت طرف مقابل تنها در پیمان شکنی و عدم وفای به عهد خلاصه نمی گردد و ممکن است اموری همچون تظاهر به مجروحیت و ضربه زدن در موقعیت مناسب، پوشیدن لباس سازمان های جهانی و نفوذ به دشمن در این قالب و... جزو مصادیق خیانت شمرده شود. به هر حال قرب معنایی مفهوم فریب در جنگ و خیانت در جنگ و اشتراک هر دو مفهوم در به اشتباه انداختن طرف مقابل برای غلبه ی بر او، سبب خلط بین این دو مفهوم شده و در نتیجه مصداق شناسی این دو مفهوم را مشکل نموده و حکم نمودن درباره ی آن را دشوار می کند. با فحص در آثار اسلامی و منابع فقهی این مطلب عیان می شود که علی رغم حکم عمومی به جواز استفاده از فریب در جنگ و نهی از خیانت در جنگ، شاخصه های روشنی برای بازشناسی این دو مفهوم از یکدیگر و تشخیص مصادیق و شناخت موارد استثناء هریک بیان نشده است. بررسی دقیق این دو مفهوم و بیان شاخص های دقیق خیانت و فریب در جنگ جهت تشخیص مصادیق آنها از یکدیگر و بیان شاخصی برای فهم موارد محتمل استثناء از حکم عمومی هر یک مقالی جداگانه می طلبد. آنچه در این مقال به دنبال آن هستیم بررسی فریب در جنگ به همراه بیان برخی از مصادیق روشن و غیر اختلافی فریب جنگی و بیان حکم اخلاقی به کارگیری آن در جنگ با استناد به سیره ی اولیاء دین علیهم السلام می باشد.

بخش دوم: سیره جنگی معصومین علیهم السلام در باب استفاده از فریب و خیانت

مواردی از سیره ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المومنین علیه السلام در جنگ ها نقل شده است که با انجام اقداماتی سعی در فریب دشمن داشتند. مثلاً با روشن کردن آتش در نقاط مختلف میدان نبرد سعی در نشان دادن برتری نظامی مسلمین در جنگ داشتند. (ابن سعد، محمد، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۳۸) یا اینکه به یاران خود دستور به خضاب نمودن ریش های خود می نمودند تا نیروی لشکر اسلام در نظر کفار جوان به نظر آید (شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴، ج ۱۷، ص ۴۷۱) و نمونه هایی از این

قبیل که نشان از به کار گیری تدابیری برای فریب دشمن داشته است. در سیره ی امیرالمومنین علیه السلام نیز نقل شده که به صورت ناشناس در مقابل دشمن حضور پیدا نموده تا دشمن او را شناسد و ضربه ای کاری را به دشمن زده است. (نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴، ص ۴۶۱) مواردی دیگری از این قبیل نقل شده است که نشان می دهد به طور فی الجمله فریب و گمراه کردن دشمن در صحنه ی نبرد به عنوان یک اصل جنگی پذیرفته شده است ولی هیچ گاه خیانت و پیمان شکنی تجویز نشده و در بیاناتی، غدر و خیانت نسبت به دشمن مورد نهی قرار گرفته است. به عنوان مثال حضرت امیرالمومنین علیه السلام در نامه ی خود به مالک اشتر به بیان جایگاه خطیر وفای به عهد پرداخته و می فرماید: ...إِنْ عَقَدْتَ بَيْتَكَ وَ بَيْنَ [عَدُوٍّ لَكَ] عَدُوَّكَ عَقْدَةً أَوْ أَلْبَسْتَهُ مِنْكَ ذِمَّةً فَحُطَّ بِعَهْدِكَ بِالْوَفَاءِ وَ أِنْعَ ذِمَّتُكَ بِالْأَمَانَةِ وَ اجْعَلْ نَفْسَكَ جُنَّةً دُونَ مَا أُعْطِيتَ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ شَيْءٌ النَّاسُ أَشَدُّ عَلَيْهِ اجْتِمَاعاً مَعَ تَفَرُّقِ أَهْوَائِهِمْ وَ تَشَتُّبِ أَرْأْسِهِمْ مِنْ تَعْظِيمِ الْوَفَاءِ بِالْعُهُودِ وَ قَدْ لَزِمَ ذَلِكَ الْمُشْرِكُونَ فِيمَا بَيْنَهُمْ دُونَ الْمُسْلِمِينَ لِمَا اسْتَوْبَلُوا مِنْ عَوَاقِبِ الْغَدْرِ فَلَا تَغْدِرَنَّ بِذِمَّتِكَ وَ لَا تَخَيِّنَنَّ بِعَهْدِكَ وَ لَا تَخْتَلِنَ عَدُوَّكَ... (شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴، ن ۵۳، ص ۵۸۷)

اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفا دار باش، و بر آنچه بر عهده گرفتی امانت دار باش، و جان خود را سپر پیمان خود گردان، زیرا هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست. که همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، در آن اتفاق نظر داشته باشند. تا آنجا که مشرکین زمان جاهلیت به عهد و پیمانی که با مسلمانان داشتند وفادار بودند، زیرا که آینده ناگوار پیمان شکنی را آزمودند. پس هرگز پیمان شکن مباش، و در عهد خود خیانت مکن، و دشمن را خیانت مکن....

بخش سوم: روایات معصومین علیهم السلام در باب به کارگیری فریب در جنگ

در بررسی روایات باب فریب و نیرنگ این نکته به خوبی روشن می گردد که اصل اولی در شریعت اسلامی نهی شدید از فریب کاری و حيله گری است. در کتاب کافی شریف بابی تحت عنوان باب المکر و الغدر و الخدیعة (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۳۶) که روایات متعددی بر این مطلب دلالت دارد را جمع آوری نموده است. در این میان دسته ای دیگر از روایات وجود دارد که عبارت الحرب خدعة در آنها تکرار شده است که در اندیشه عموم محدثین و فقهاء به عنوان استثنایی بر اصل اولی حرمت فریب کاری و حيله گری وارد شده است که به مواردی از روایات عام و مقیدات آن اشاره می گردد. از جمله روایات عام ناهی از فریب کاری و خدعه گری روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام است که حضرت می فرماید: لَوْ لَا أَنَّ الْمَكْرَ وَ الْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ لَكُنْتُ أَمُكَّرَ النَّاسِ. (کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹، ج ۴،

ص ۳۷). روایت دیگری در مذمت مکر و حيله گری از امام رضا عليه السلام و به نقل از حضرت رسول اکرم صلى الله عليه و آله وارد شده است که حضرت می فرماید: مَنْ كَانَ مُسْلِمًا فَلَا يَمُكِّرُ وَلَا يَخْدَعُ فَإِنِّي سَمِعْتُ جَبْرِئِيلَ يَقُولُ إِنَّ الْمَكْرَ وَالْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ. (ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۰) در این بین دسته ای دیگر از روایات وجود دارد که به اذعان برخی علما نهی مطلق از فریبکاری را مقید به زمان صلح نموده و در حالت جنگی بر جواز به کار گیری خدعه و فریب در جنگ حکم نموده است. به عنوان مثال در کتاب وسائل الشیعه بابی تحت عنوان بَابُ جَوَازِ مُخَادَعَةِ أَهْلِ الْحَرْبِ. (عاملی، شیخ حر، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۲۳) وجود دارد که برخی از این روایات را جمع آوری نموده اند. در روایتی از امیر المومنین علیه السلام نقل شده است أَنْ عَلِيًّا كَانَ يَقُولُ لَأَنْ تَخْطِفَنِي الطَّيْرُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقُولَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ص مَا لَمْ يَقُلْ رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ يَوْمَ الْخَنْدَقِ - الْحَرْبُ خُدْعَةٌ وَ يَقُولُ تَكَلَّمُوا بِمَا أَرَدْتُمْ. (طوسی، ابو جعفر، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۶۳)

علامه مجلسی (ره) در توضیح فقره ی «لَا تَخْطِفَنِي الطَّيْرُ» می فرماید: «یحتمل أَنْ یکون المراد الخطف بعد الموت، و هو شر الموت، بَأَنْ لَا يدفنه أحد حتى تَأْكُل لحمه الطيور» (مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۶، ج ۹، ص ۴۳۲) روایتی دیگر در کتاب شریف وسایل الشیعه از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است که حضرت در هنگامه ی نبرد صفین با صدای بلند فرمودند: وَاللَّهِ لَأَقْتُلَنَّ مُعَاوِيَةَ وَ أَصْحَابَهُ، سپس صدای خود را آهسته نموده و در آخر کلام فرمودند: إِنَّ شَاءَ اللَّهِ. عدی بن حاتم می گوید که من نزدیک حضرت بودم و از امیرالمومنین علیه السلام سوال پرسیدم که شما بر آنچه گفتی قسم خوردی ولی در پس آن آرام استثناء نموده و این شاءالله گفتید. منظورتان از این کار چه بود؟ حضرت به من فرمودند: إِنَّ الْحَرْبَ خُدْعَةٌ وَ من نزد مومنین دروغ گو نیستیم، این جمله را گفتیم تا اصحاب خود را بر جنگ با معاویه تحریض کرده باشیم... (عاملی، شیخ حر، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۳۳). یعنی حضرت هم می خواستند مومنین را بر جنگ تحریض کنند و هم با بیان این شاء الله و تعلیق امر بر مشیت الهی دروغی نگفته باشند.

خیانت در اعطاء امان به منظور دسترسی پیدا کردن بر دشمن و چیره شدن بر او نیز نوعی فریب دادن دشمن است. ولی همان طور که پیش تر بیان گردید با مراجعه به متون روایی این امر مسلم می گردد که از فریب دشمن به وسیله ی پیمان بستن و خیانت در پیمان به منظور فریب دادن او به شدت نهی شده است. علامه مجلسی نیز در توضیح حدیث شریف کتاب تهذیب (طوسی، ابو جعفر، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۶۳) این مطلب را به نقل از والد مکرم خود یعنی علامه محمدتقی مجلسی مورد تأکید قرار می دهند. (مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۶، ج ۹، ص ۴۳۲)

بخش چهارم: اقوال در باب جواز به کار گیری فریب در جنگ

بند اول: جواز فریب در جنگ به طور مطلق:

در بین فقهای شیعه کسی را نمی شناسیم که به جواز به کار گیری فریب در جنگ به طور مطلق حکم نموده باشد ولی در سنت ماکیاولیستی آنچه مهم است رسیدن به نتیجه از هر طریق است ولو اینکه در مسیر رسیدن به نتیجه از خیانت و فریب استفاده شود. بر این اساس است استفاده از هر نوع حيله گری و خیانت و پیمان شکنی و ... در مسیر استعلاء بر دشمن جایز است. ماکیاولی در کتاب شهریار خود معتقد است هر جور شده باید بر گرده مردم سوار گردید چه با عفت و تواضع و چه با بی عفتی و تکبر. از دیدگاه ماکیاولی، اولویت کسب منافع دنیوی است. در نتیجه با اولویت سیاست، اخلاق و فضیلت می بایست در خدمت و استخدام سیاست قرار بگیرد. (ویلیام بلوم، ۱۳۷۳، مقدمه جلد دوم)

بند دوم: عدم جواز فریب در جنگ به طور مطلق:

برخی علما معتقدند وقتی به مبانی جهاد مثل لزوم فی سبیل الله بودن جهاد، تقدم صلح بر جنگ در اسلام، عدم اسراف در قتل و خرابی ناشی از جنگ، محور بودن امر هدایت در جهاد و... توجه می شود به این نتیجه می رسیم که جواز به کار گیری فریب در جنگ با استناد به روایت الحرب خدعة با غرض اصلی شارع از تشریع حکم جهاد در اسلام ناهماهنگ است. غرض اصلی از تشریع جهاد در قرآن، امر هدایت است و به کار گیری این قبیل حيله ها و فریب ها با غرض اصلی شارع در تشریع سنت جهاد ناهمگون است. ایشان همچنین در ضبط روایات الحرب خدعة نیز اشکال نموده و می فرمایند بنابر اسناد مختلف روایت الحرب خدعة به سه ضبط مختلف الحرب خدعة یا الحرب خدعة وارد شده است که معنای هر یک متفاوت از دیگری است. ابن منظور در لسان العرب معنای الحرب خدعة به فتح خاء را چنین بین نموده است: من خدع فیها خدعة فزلت قدمه و عطیة فلیس لها إقالة یعنی همانگونه که اولین اشتباه تخریب چی در میدان نبرد آخرین اشتباه او است، برای جنگجو نیز اولین اشتباه آخرین اشتباه او است و فرصت اقاله و جبران ندارد. ابن منظور به نقل از ابن اثیر که از ادبا و لغت شناسان برجسته عرب است نقل می کند که ضبط روایت به فتح خاء اقصی الروایات است. (ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۶۴). این دست روایات مبین لزوم هوشیاری در جنگ است و اینکه مجاهد در جنگ باید حواسش را جمع کند تا کلک نخورد نه اینکه کلک بزند. بنا بر این مبنا و تفسیر از روایت، به کار گیری فریب و خدعه در جنگ هم از منظر شرع و هم از منظر اخلاق، امری نکوهیده و غیر اخلاقی است.

اما اگر روایت به ضم خاء و فتح دال قرائت گردد. یعنی بگوییم الحرب خُذْعَه كما يقال فلان رجل لُعبه، ضُحْكه، لُمزه، هُمزه و... یعنی الحرب تخذع الرجال و تُمنّيهم و لاتفی بهم. این ضبط از روایت می گوید جنگ آرزوهای انسان را به باد می دهد و به کسی وفا نمی کند.

تنها اگر روایت را به ضبط الحرب خُذْعَه به ضم خاء و سکون دال استعمال شود مفید استعمال فریب در جنگ می باشد. این استاد محترم معتقدند خدعه مکر، غرور، غش، خیانت، افتراء، نجش و... دارای عنصر معنایی مشترکی هستند و تفاوت چندانی با هم ندارند. (آیت الله احمد عابدی، درس خارج جهاد، سال ۱۳۹۷)

بخش پنجم: قول به تفصیل

از تیترو و عنوانی که صاحب وسائل الشیعه انتخاب نموده اند - بَابُ جَوَازِ مُخَادَعَةِ أَهْلِ الْحَرْبِ - (عاملی، شیخ حر، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۳۳) روشن است که ایشان روایات دال بر حرمت مکر و حيله را مطلقاً لحاظ نموده اند که به وسیله ی روایات دیگر مقید شده و به جواز به کار گیری خدعه در جنگ حکم می کنند. از آنجا که بنا بر مبنا در احکام تکلیفی هر چیزی که جایز باشد و با قصد قربت انجام شود از حیث اخلاقی نیز حکم به ارزش مندی آن می شود در این مورد نیز گفته می شود به کار گیری فریب و نیرنگ در جنگ از حیث اخلاقی نیز جایز است. برخی علما مانند علامه حلی نسبت به جواز به کار گیری مخادعه در جنگ ادعای اجماع نموده و معتقدند: «تجوز المخادعة فی الحرب و أن یخدع المبارز قرنه لیتوصل بذاک إلی قتله إجماعاً». (حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۴ق؛ ج ۹، ص ۸۳). در این نگاه بین فریب و خیانت فرق گذاشته می شود زیرا علامه حلی بعد از بیان وجود اجماع در به کار گیری فریب در جنگ، به ذکر استثنایی در این مقام پرداخته و می فرمایند: لا یجوز التمثیل بالکفار و لا الغدر بهم و لا الغلول منهم، لقول النبی صلی الله علیه و آله فی حدیث الصادق علیه السلام: «لا تغلوا و لا تمثلوا و لا تغدروا» (حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۴ق؛ ج ۹، ص ۷۹). ایشان با استناد به قسمتی از روایت نبوی که توصیه های جنگی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به گردان های جنگی در حال اعزام است، می فرمایند: بنا بر این روایت خیانت کردن، پیمان شکنی و مثله کردن دشمن در جنگ جایز نمی باشد. به بیان دیگر فریب کاری همراه با پیمان شکنی و خیانت به دشمن جایز نمی باشد ولی فریب کاری هایی که دشمن را دچار خطای محاسباتی کرده و باعث به اشتباه افتادن دشمن و روحیه گرفتن نیروهای خودی می گردد، جایز است. (مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۶، ج ۹، ص ۴۳۲)

البته مرحوم کاشف الغطاء در به کار گیری فریب در جنگ، بین جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی فرق گذاشته و به عدم جواز به کار گیری فریب کاری و خیانت در جهاد ابتدایی و جواز فریب و حتی پیمان شکنی در جهاد دفاعی حکم نموده اند. علامه کاشف الغطاء بعد از بیان چهار قسم از جهاد دفاعی، در قسم پنجم به بیان جهاد ابتدایی و مفارقات آن با چهار قسم جهاد دفاعی پرداخته و می فرمایند و تفتقر الأربعة المتقدمة عن الخامس بوجه: ...

ثالثها: أنه لا يجوز التخلف عن الهدنة والأمان، والصلح، والعهد، ولا يجوز الاحتیال بالكذب والتزوير في القسم الأخير، (یعنی در جهاد ابتدایی) و لا بأس بذلك في الأقسام الأخر إذا قوى الكفار وخيف الضرر. (کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۲۹۱)

یعنی در تفصیلی که مرحوم کاشف الغطاء بیان می کنند بین جهاد ابتدایی و جهاد دفاعی فرق گذاشته اند. چه بسا چون در جهاد ابتدایی بحث هدایتگری و جلب قلوب به سمت آیین اسلام مطرح است از هر گونه فریب کاری در جنگ نهی نموده اند، چون این فریب کاری و حیل گری مخل به غرض اصلی از جهاد ابتدایی است ولی در جهاد دفاعی که بلاد اسلامی مورد هجوم واقع شده است و بحث دفاع از خود و کیان اسلام مطرح است و قدرت دشمن فزون تر از قدرت مسلمین است به گونه ای که خوف غلبه ی بر مسلمین وجود دارد، استفاده از هرگونه فریب کاری و حتی پیمان شکنی را جایز می دانند. سپس ایشان در کتاب «كشف الغطاء عن مبهمة الشريعة الغراء» به بیان مصادیقی از فریب کاری در جنگ پرداخته و می فرمایند: يجوز التوسل الى دفعهم بجميع انواع الحيل من ارسال الرسل و المكاتيب الكاذبة الدالة على حرب (فرار) المسلمین و قتلهم و ذلتهم، يأمنوا و يتركوا الحذر حتى تقع عليهم حدود المسلمین و هم غیر مستعدين. (کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۸۱)

یعنی به هنگام جهاد دفاعی در نامه ای به کفار گفته شود که مسلمان کم و ذلیل و در حال فرار هستند تا کفار احساس امنیت نموده و احتیاط و اسلحه های خود را کنار گذاشته و مسلمین به واسطه ی غفلت آنان بتوانند بر آنان غلبه کنند. البته ایشان به مصادیق دیگری همچون جواز کندن چاه در مسیر لشکر دشمن و پوشاندن سر آن، غرق کردن دشمن در آب، ریختن سم در غذای آنان، استفاده از منجنیق و... اشاره می کنند و در پایان می فرمایند: والاقتصار على الحرب بالنحو المتعارف أولى. (کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۸۱). یعنی تا جای ممکن از این حربه ها در جنگ استفاده نشود و به نحو متعارف جنگ پیش برده شود. خاتمه دادن حکم با «والاولی» اشاره به حکم اولی این رفتارها از سویی و از سوی دیگر حکم به جواز فریب کاری ها در جهاد دفاعی به واسطه ی ضرورت دفاع از کیان مسلمین می باشد.

بخش ششم: انواع فریب کاری و حکم اخلاقی آن

برای اینکه حکم اخلاقی هر یک از اقسام فریب کاری روشن گردد باید مبنایی برای اخلاقی و غیر اخلاقی بودن به کار گیری یک روش در جنگ تعریف نموده و در پس آن اخلاقی و غیر اخلاقی بودن یک عمل را نتیجه گیری کنیم.

بند اول: معیار اخلاقی بودن یک رفتار از منظر آیت الله مصباح یزدی «ره»

در باب معیار فعل اخلاقی در بین مکاتب مختلف فکری معیار مختلفی طرح گردیده است. فارغ از معیار اخلاقی بودن یک فعل در بین مکاتب غربی در نظرگاه اندیشمندان مسلمان معیار هایی همچون فطری بودن رفتارهای اخلاقی، هماهنگی و مسانخت با جنبه علوی وجود آدمی، تلائم با بعد ملکوتی، تأثیر در کمال نفس و قرب الهی و... مطرح شده که برخی از آنها ملاک هایی کلی بوده و کار ارزیابی و ارزش گذاری نسبت به یک رفتار را دشوار می کند. ضمن اینکه برخی ملاک ها مانند نشأت گرفتن رفتار از من علوی، بیشتر جنبه ی بیان منشأ فعل را دارد تا بیان ملاکی که به واسطه ی آن اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن یک عمل سنجیده شود. چون در مقام ارزش گذاری بین معیارهای مختلف نبوده ایم با توجه به دیدگاه مورد قبول در این مقام به بیان معیار ارزش گذاری اخلاقی مصادیق فریب در جنگ می پردازیم.

بنا بر نگاه حضرت علامه مصباح یزدی (ره) گزاره های اخلاقی حاکی از روابط واقعی میان افعال اختیاری انسان و کمال نهایی آدمی می باشد. (مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۴، ص ۲۳۲) در نتیجه عملی در نهایت یک عمل اخلاقی است که سبب تحقق کمال نهایی انسان گردد و چنانچه عملی محلّ به تحقق این کمال گردد، نمی تواند عملی اخلاقی لحاظ گردد. در شناخت کمال نهایی انسان و کشف ارتباط بین کمال نهایی و افعال اختیاری انسان نیازمند به دین هستیم. هدف در علم اخلاق رسیدن به زندگی مطلوب اخلاقی است و رفتارهای انسان بر اساس میزانی که محقق این هدف باشند ارزش گذاری می شوند. رسیدن به زندگی مطلوب به عنوان کمال اعلی که دارای ارزش ذاتی است معرفی می گردد و سایر صفات و رفتارهای اختیاری به میزانی که محقق یا نافی این کمال اعلی هستند ارزش گذاری می شوند. در تزامن بین رفتارهای اختیاری که هر یک به نوعی محقق کمالی برای انسان است نیز در نهایت آن عملی اختیار می گردد که اثر یا اثر بیشتر در تحقق کمال اعلای انسان دارد. همه ی کلام در این است که کمال اعلای انسان که دارای ارزش ذاتی بوده و معیاری برای ارزش گذاری سایر صفات و رفتارهای اختیاری انسان می گردد چه می باشد؟ پاسخ به این سوال به شدت متأثر از مبانی انسان شناسی، معرفت شناسی و هستی شناسی ما می باشد. بر اساس مبانی پیش گفته بالاترین حد قابل فرض

از کمال، قرب به خداوند سبحان به عنوان کامل مطلق است که این قرب کمال نهایی انسان شمرده می شود و همه ی افعال اختیاری انسان نیز بر این مدار ارزش گذاری می شود. (مصباح، مجتبی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۰) به تعبیر دیگر هر امر اختیاری به اندازه ای ارزشمند است که در قرب انسان به خداوند موثر باشد. (مصباح، مجتبی، ۱۳۹۶، ص ۱۶۱). آنچه در قرب مؤثر است ممکن است با آنچه مطلوب نفس من است متفاوت باشد و چه بسا کمالی موهوم را کمال اعلاّی خود شناخته و تمام همّ خود را در راستای رسیدن به آن صرف کنم. از این روست که معتقدیم برای شناخت آنچه منجر به قرب انسان به عنوان کمال نهایی او می گردد نیازمند مراجعه به دین هستیم. آنچه مورد نهی شریعت است که نافی تحقق قرب باشد و لذا دارای ارزش غیر منفی و آنچه مورد امر شریعت است موجب تحقق قرب و دارای ارزش غیر مثبت و در ترازم بین افعال پسندیده آنچه قرب بیشتری را رقم می زند دارای ارزش جایگزینی اخلاقی می باشد. اساساً این مراجعه به دین در شناخت مصادیق رفتار منتهی به کمال اعلاّی انسان، یکی از فروق اخلاق سکولار از اخلاق غیر سکولار می گردد. زندگی اخلاق مدارانه ی منهای دین در حقیقت زندگی با اخلاقی سکولار است و در اینجاست که اخلاق به عنوان دشمنی برای دین معرفی می گردد. در لوای اخلاق سکولار می توان زیستی مسالمت آمیز با هم نوعان داشت و مورد قضاوت مثبت دیگران قرار گرفت ولی با این اخلاق به قرب الهی نائل نمی گردیم. بنابراین در بین مکاتب اخلاقی ما واقع گرا بوده و مبنای اخلاقی بودن یک عمل را امری واقعی، ورای سلیقه ها و قراردادهای ما دانیم یعنی معتقدیم که عملی اخلاقی است که موجب قرب شود و در غیر این صورت، یک رفتار ولو اینکه ما را به نتیجه مطلوب برساند ولی عملی غیر اخلاقی محسوب می گردد. بر این مبنا به کارگیری فریب در جنگ را بررسی می کنیم.

بند دوم: فریب کاری با پیمان بستن و شکستن پیمان

در متون دینی ما به شدت از پیمان شکنی چه در جنگ و چه در غیر آن نهی شده است تا آنجا که از رسول خداصلی الله علیه و آله نقل شده است: لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ؛ کسی که پیمان شکن باشد دیندار نیست. اما در خصوص فریب کاری در میدان جنگ با امضای پیمان صلح و خیانت کردن و نقض عهد نیز نقل شده که یکی از اخلاقیات پیامبر در جنگ وفای به پیمان ها بوده است تا آنجا که پیامبر فرمودند اگر مسلمانی قولی به کافری دهد دیگر مسلمانها باید این قول را محترم شمارند و احادیث شبیه این بسیار زیاد است. در کتاب کافی شریف بابی تحت عنوان باب إعطاء الامان وارد شده که به شدت از پیمان شکنی بعد از امان دادن به طرف مقابل نهی شده است. رعایت و حفظ پیمان تا بدانجا مورد اهمیت قرار

گرفته است که در روایتی از وجود نازنین امام باقر علیه السلام چنین وارد شده است: مَا مِنْ رَجُلٍ أَمَنَ رَجُلًا عَلَى دِمِّهِ ثُمَّ قَتَلَهُ إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَحْمِلُ لَوَاءَ الْعَذْرِ.

با توجه به این روایاتی که بخشی از آن در این مقال ذکر گردید فریب کاری با بستن پیمان و نقض عهد در پس آن به هیچ وجه جایز نبوده و از منظر اخلاقی نیز این عمل مذموم است.

بند سوم: فریب کاری با شایعه پراکنی در میدان جنگ

شایعه سازی تخریب واقعیت و ایجاد تصویری دروغین از آنچه در واقع رقم می خورد است که معمولاً به صورت شفاهی و سینه به سینه انتقال می یابد. حالات روحی انسان ها به گونه ای است که اخبار بد را هم زودتر قبول میکنند و هم زودتر پخش میکنند، لذا در تصویر سازی از وضعیت حاکم بر میدان جنگ اگر اخبار به گونه ای پخش شود که گمان مغلوب شدن جبهه ی خودی یا صلح بین فرماندهان دو طرف مختصمه یا کشته شدن رهبر اصلی جنگ و... در بین سربازان تقویت شود؛ هر چند در واقعیت چنین اتفاقی نیفتاده باشد سبب شل شدن پای سربازان در میدان جنگ شده و چه بسا نبردی که چند گام با پیروزی فاصله دارد به شکست بینجامد.

در ماجرای تحمل صلح بر امام حسن مجتبی علیه السلام دشمن از چنین حربه ای استفاده نموده و به عنوان مختلف شایعاتی مثل به شهادت رسیدن امام حسن علیه السلام، قبول صلح از ناحیه امام حسن علیه السلام قبل پذیرش صلح و... را در سپاه امام علیه السلام پخش نمود که این شایعات سهم بسزایی در تضعیف روحیه ی سربازان و پذیرش صلح از امام حسن علیه السلام را به دنبال داشت.

شایعه پراکنی یکی از بهترین ابزارها برای فتنه گری و ایجاد تفرقه بین مردمی است که به لحاظ ایدئولوژی در صف واحدی قرار دارند، ولی از آنجا که قوام شایعه پراکنی به دروغ گویی است و دروغ نیز امری مذموم ناپسند است به هیچ عنوان نمی توان حکم به جواز شایعه پراکنی در حالت عادی داد. ولی در میدان نبرد، خصوصاً در جهاد دفاعی که دشمن کیان اسلام را مورد حمله قرار داده است و برای رسیدن به هدفی مقدس حکم دروغ متفاوت می شود. برخی از فقها شایعه پراکنی را مصداق به کار گیری خدعه در جنگ نموده و حکم به جواز آن نموده اند و بنا بر مبنای پیش گفته این عمل نیز وجهه ی اخلاقی پیدا می کند.

بند چهارم: فریب کاری با ایجاد جنگ روانی

در نقش تضعیف روانی دشمن جای سخن نیست زیرا تاریخ ثابت کرده و تجربه نشان داده که چنانچه بتوانند دشمن را به هر وسیله ممکن دچار تضعیف روانی نمایند دشمن خود را می‌بازد قدرت مقاومت و جنگ را از دست می‌دهد و در وضعیت دفاعی قرار می‌گیرد و دچار حالت سردرگمی عجیب می‌گردد شتابزده می‌شود، هر ساعت یک تصمیم می‌گیرد و دوباره از آن صرف‌نظر می‌کند. (سلیمی، سیدحسین، ۱۳۶۸، صص ۴۲ - ۴۳).

در ایجاد جنگ روانی ممکن است از شایعه پراکنی هم استفاده شود ولی ایجاد جنگ روانی لزوماً همراه با شایعه پراکنی نمی‌باشد. چه بسا در میدان نبرد پخش صوت یک فرمانده از بلندگوها که خبر از حضور آن فرمانده در میدان نبرد می‌دهد یا ایجاد اختلال در سامانه‌های ارتباط گیری دشمن و ایجاد یک جنگ الکترونیک و مصادیقی از این قبیل شاکله‌ی نظام تصمیم‌گیری دشمن را در هم بریزد و حال آنکه هیچ انحرافی از اصول و اوامر الهی صورت نگرفته باشد.

بنابراین با توجه به ملاک پیش گفته در باب اخلاقی بودن یک عمل مادامی که در ایجاد جنگ روانی از اموری که مورد نهی شارع قرار گرفته است استفاده ننماییم به لحاظ اخلاقی می‌توان از جنگ روانی در میدان نبرد استفاده نمود.

فریب کاری با ایجاد خطای محاسباتی خطای محاسباتی به معنای ایجاد اختلال در دستگاه محاسباتی در جهت تغییر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، همواره یکی از کارآمدترین ابزارها برای تسلط بر جبهه رقیب به شمار می‌آید ایجاد اختلال در نظام محاسباتی از راه نفوذ، تطمیع، تهدید و... رقم می‌خورد که بر مبنای ملاک مطرح در خلاق بودن یک عمل حکم هر یک به صورت جدا باید بررسی گردد.

در مورد دیگر مصادیق فریب کاری در جنگ مانند استتار، انجام عملیات فریب، اشاعه‌ی اخباری که در دل دشمن ترس ایجاد می‌کند و... نیز بر همین مبنای قضاوت نموده و آن چه که از آن نهی به عمل آمده مانند خیانت را نافی قرب و در نتیجه غیر اخلاقی و آنچه به جواز آن حکم شده باشد در صورت اتیان با قصد قرب، موجب قرب و در نتیجه اخلاقی می‌دانیم.

جمع بندی:

اصل اولی در فریب کاری و خدعه‌گری و به کار بستن حيله در حالت عادی حکم به حرمت آن و در نتیجه عدم جواز اخلاقی آن می‌باشد. اما این اصل اولی از عموماتی است که در شرایط خاص مورد تخصیص واقع شده و حکم آن عوض می‌گردد. از جمله این موارد حضور در شرایط جنگی است. در



تعارض بین مصالح و بین مفاسد همیشه مصلحت اقوی بر مصلحت قوی و مفسده ی اضعف بر مفسده ی ضعیف ترجیح داده می شود. در این مورد نیز مصلحت دفاع از کیان اسلام مصلحت اقوایی است که در تعارض با مفسده ی فریب قرار دارد. مصلحت دفاع از حدود اسلامی اقتضاء به کارگیری خدعه و فریب در جنگ و مفسده ی فریب اقتضاء ترک آن را دارد. ولی از آنجا که مصلحت دفاع از اسلام مصلحت اقوی است حکم اولی ترک فریب، کنار گذاشته شده و حکم به جواز استفاده از فریب در حالت جنگی می شود. ولی از آنجا که الضرورات بقدرها در اینجا نیز معتقدیم که حکم به جواز استفاده از فریب در جنگ و اخلاقی بودن آن در صورتی است که امر دفاع و غلبه ی بر دشمن دائر مدار استفاده از فریب و خدعه باشد و إلا حکم اولی فریب در جای خود مستقر می باشد و به عدم جواز آن و در نتیجه غیر اخلاقی بودن آن حکم می گردد.

منابع و مأخذ:

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ ق، اصول کافی، طبع دار الحديث، قم.
۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، ۱۳۶۵، مجمع البحرين، المكتبة المرتضوية، تهران.
۳. مصطفوی، حسن، ۱۳۷۴، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، موسسه چاپ و نشر، تهران.
۴. ابن سعد، محمد، ۱۳۷۴، الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، فرهنگ و اندیشه، تهران.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۳۶۳، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴، مفردات الفاظ القرآن، دارالقلم، دمشق.
۷. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، (المولى صالح المازندرانی) ۱۳۸۲ ق، شرح الکافی (الأصول و الروضة) المكتبة الإسلامية، تهران.
۸. عاملی، شیخ حر، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.
۹. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۶۱، قاموس قرآن، دارالکتب اسلامیة، تهران.
۱۰. حقیقت پور، حسین، ۱۳۹۹، مفهوم شناسی جرم خیانت جنگی از منظر حقوق بشر دوستانه ی اسلامی در مقایسه با مقررات لاهه و کنوانسیون ژنو، مجله علمی، پژوهشی فقه و اصول، دانشگاه فردوسی مشهد. سال پنجاه و دوم شماره ۴.
۱۱. حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۴ ق، تذکره الفقهاء، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.
۱۲. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ ق، تهذیب الأحکام، دار الکتب الإسلامية، تهران.
۱۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، ۱۴۱۴ ق، نهج البلاغة (للصباحی صالح)، هجرت، قم.
۱۴. نصر بن مزاحم، ۱۴۰۴ ق، وقعة الصفین، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، قم.
۱۵. ابن بابویه، محمد بن علی، (الأمالی) (للدوق) ۱۳۷۶، نشر کتابچی، تهران.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۶، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم.
۱۷. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی، ۱۴۲۲ ق، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط- الحدیث)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، قم.
۱۸. ویلیام بلوم، ۱۳۷۳، نظریه های نظام سیاسی، ترجمه احمد تدین، انتشارات آران، تهران.
۱۹. عابدی، احمد، ۱۳۹۷، جزوه درس خارج جهاد، بی جا، بی تا.



۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۴، فلسفه اخلاق، موسسه امام خمینی (ره)، قم.
۲۱. مصباح، مجتبی، ۱۳۹۶، فلسفه اخلاق، موسسه امام خمینی (ره)، قم.
۲۲. سلیمی، سیدحسین، ۱۳۶۸، روانشناسی نظامی، شرکت بین المللی نشر و تبلیغ بشری. تهران.

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند

پنجمین همایش علمی - پژوهشی

مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir **www.Ghanonyar.ir**

محورهای پذیرش مقالات

- تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی
- علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی و آموزش و پرورش
- روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی
- علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۳۰۱/۱۲/۱۱

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
OLOMENSANI@YAHOO.COM

ارسال مقاله از طریق واتس آپ، ایتا، سروش، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۲۶۶۹۷۹۵۱۹ - ۰۲۶۶۹۷۹۵۱۹

(در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)














